

# جوانان حکمتیست ۱۷

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

سردبیر: فواد عبدللهی foadsjk@yahoo.com

دبیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com



۱ دیماه ۱۳۸۳ - ۱۳ دسامبر ۲۰۰۴ www.sjk-hekmatist.com سه شنبه ها منتشر می شود

## محکومینی به نام "کارتن خوابها"...



فواد عبدللهی

اما هدف واقعی این سیاستها اعراب بیشتر مردم و منحرف کردن اذهان از مشکلات اجتماعی ای است که مسبب آن خود رژیم اسلامی است. در این میان، معضل "کارتن خوابی" و مرگ و میر شبانه انسانها به حکم بی سرنهایی، به همت دانشجویان ابعاد اجتماعی به خود گرفته است. با مشاهده هر جسد یخ زده در گوشه و کنار خیابان بار دیگر نفس در سینه ها حبس می گردد چه سیستم در هم پیچیده ای می تواند مرتکب چنین جنایت و بی حقوقی شود؟ چه نظامی، مکاتبیسم بی مسکنی و خوابیدن در کارتن را "انتخاب" این قربانیان میدانند؟! تحصن دانشجویان در دفاع از "کارتن خوابها"، در دفاع از حقوق پایه ای انسان از جمله داشتن مسکن و خوراک و پوشاک، تجلی مدنیت پیشرو و وجدان بیدار انسان قرن بیست و یکم است. اعلام رسالت بنای دنیایی شایسته انسان و نیروی متحد و ضامن به پیروزی رساندن آزادی و برابری انسانها است. تحصن و مبارزه پیگیر این عزیزان در حمایت از اقشار پائین جامعه در عین حال کیفر خواست و اعلام جرم و اضمحلال این ماشین کشتار جمعی،

جنایتی است به سران مفت خور رژیم اسلامی که وجود انسانهای خیابانی از کودک گرفته تا زن و کارگر و معتاد و تنفروش، سند و حکم رفتن شان است، که به این وسیله دنیای ما، ادعائمانه خود علیه شان و حاکمیت شان را به عنوان سرکوب کنندگان و به فلاکت کشانندگان حقوق انسان در یک تحصن علنی و وسیع توسط جنبش خویش به تمام مردم ایران و جهان اعلام و مخایره می کنیم. ما بشارت دنیای فردا، دنیای شایسته انسان، دنیای رفاه و شادی و خوشبختی را آشکارا و علنی و چشم در چشم جانیان و اوباش اسلامی حاکم بر ایران، در میان موجی از امیدواری و همبستگی و گردهمائی فریاد می زنیم: به فلاکت کشاندن مردم جنایت است، باید با تبدیل کردن هر صحنه حمله به اقشار ضعیف و پائین جامعه و اجرای سیاست مجازات های اسلامی، به یک اعتراض توده ای با پرچم و خواستی روشن علیه جمهوری اسلامی به مقابله بر خواست در فردای سقوط و اضمحلال این ماشین کشتار جمعی،

به دنبال اقدام شایسته و قابل تقدیر جمعی از دانشجویان در تهران، معضل بی خانمانهای تهران به مرکز توجهات جامعه رانده شد. برای این کار عالی، باید دست این عزیزان را به گرمی فشرد. در متن بن بست و بحران وخیم سیاسی و اقتصادی که دامنگیر جمهوری اسلامی شده، شاهد فقر و فلاکت و بی خانمانی اقشار پائین و محروم جامعه هستیم. تن فروشان، مهاجرین، کارگران، معتادین و کودکان کار، محکومین به این شیوه زندگی هستند. جمهوری اسلامی ۲۶ سال است روی اینکه احتمالا جامعه حساسیت و توجه کمتری در عکس العمل به این اقشار تحت ستم از خود نشان خواهد داد حساب باز کرده است.

## به حکمتیستها پیوندید!

سمنارها و جلسات در دانشگاه ها، فضای بحث و جدل های میان دانشجویان، همه و همه باید سنگینی رهبری که آمده است تا نگذارد که آینده ای سیاه بر جامعه تحمیل شود را احساس کنند این را هم باید



بهرام مدرسی

تضمین کرد باید شعار آزادی و برابری و معنای بغایت انسانی آن، به مبنای اتحاد توده وسیع دانشجویان در هر تشکل و انجمن و ارگانی تبدیل شود. اگر به شرایط زیستی خوابگاه هایمان معترضیم، اگر به کیفیت غذای سلف سرویس معترضیم، اگر به اجرای قوانین قرون وسطایی جدایی جنسی در محیطهای دانشگاه معترضیم، اگر به تعرض به جان و امنیت کودکان معترضیم، اگر این را غیر انسانی میدانیم که در سرمای زمستان انسانهای دیگر از شدت فقر و حاکمیت سرمایه محکوم به مرگ میشوند، اگر به جحاح اجباری و کد های پوششی اسلامی معترضیم، اگر خواهان آزادترین مناسبات انسانها با هم هستیم، اگر مخالف حکم اعدام هستیم، اگر خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم، اگر انسانیت مبنای تفکر و زندگیمان است، باید تلاش کنیم که با شعار زنده باد آزادی و زنده باد برابری در همه این اعتراضات اعلام شوند. باید این شعار را به مبنای اتحاد هر اعتراضی تبدیل کنیم. باید تلاش کنیم که حول هریک از این خواسته ها و صدها خواست انسانی دیگرمان، متنوعترین و وسیعترین تشکلات و تجمعات شکل بگیرند. این را هم باید تضمین کرد. قدرت مردم در اتحادشان است، مردمی که برای دستیابی به خواستههای انسانیشان حول شعار آزادی و برابری متشکل شده اند، بزرگترین تضمین برای جلوگیری از "عراقیزه" شدن ایران هستند. این راه هم باید تضمین کرد. ۱۶ آذر امسال امکانپذیری این مهم را به همه نشان داد. ۱۶ آذر امسال تازه شروع کار ما بود دست بکار شویم هر درجه تعجیل ما ایجاد جامعه ای آزاد و برابر را روشنتر میکند. یکبار دیگر به همه شما عزیزانی که پیوستنشان را به صف ما اعلام کردند خوشامد میگویم. و دیگران را نیز به پیوستن به صف حکمتیستها دعوت میکنم.

جنبش آزادیخواهی مردم علیه رژیم اسلامی محتاج رهبری است که پیروزی آن و ایجاد جامعه ای آزاد و برابر را تضمین کند. در غیاب این رهبری هیچ و مطلقا هیچ تضمینی وجود ندارد که احزاب و سازمانها و گرایشهای سیاسی دیگر مبارزه مردم علیه رژیم اسلامی را به کجراه نکشند. از امید بستن به "حمله نظامی آمریکا" تا "رفراندوم برای اصلاح قانون اساسی رژیم اسلامی"، از "طرح فدرالیسم" و براه انداختن جنگ خانگی "اقوام" در ایران تا تبدیل کردن ایران بعد از جمهوری اسلامی به جولانگاه حزب الله و دسته های شبه اسلامی، همه سناریو های ممکن در غیاب این رهبری هستند. حکمتیستها باید این رهبری را تضمین کنند طی هفته های اخیر دوستان زیادی از شهرهای مختلف پیوستن خود به سازمان ما و این صف حکمتیستها را اعلام داشته اند. ضمن خوشامد گویی به همه این دوستان، باید این موج رجوع به حکمتیستها را تقویت کرد. باید همه آن انسانهای شریفی که خواهان جامعه ای آزاد و برابر هستند را به پیوستن به صف حکمتیستها تشویق کرد. تضمین رهبری چپ و کمونیستی بر اعتراض مردم علیه رژیم اسلامی اما تنها به این خلاصه نمیشود. باید هر کجا که هستیم و در هر عرصه مبارزاتی که در آن دخیل هستیم، خود از جمله کسانی باشیم که شخصیتها، شعارها و اهداف این صف را تضمین میکنند. در دانشگاه ها باید این شخصیتهای آزادیخواه و برابری طلب باشند که مورد رجوع سایرین قرار میگیرند. باید این شعارها و مطالبات این صف فضای سیاسی دانشگاه ها را رقم بزند. باید هیچ تلاشی برای تحمیل اهداف و سیاستهای دیگری که تنها سیه روزی را برای مردم به ارمان مایورند، بی جواب نماند. نشریات متعددی که در سطح دانشگاه ها منتشر میشوند،

## زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

# همین امروز!

## آرش حمیدی

تا به حال به دوران برده داری فکر کرده اید؟ برای ما عجیب می نماید که اربابانی بوده اند، بردگانی داشته اند که هیچ یک از حقوق انسانی را نداشتند و مانند حیوان کار می کردند و باز برابریمان شگفت انگیز است که چگونه اربابان حتی بر جان بردگان تسلط داشتند.

برای کسی هم که در آینده (آینده ای که نمی دانیم چند سال بعد می باشد) در جامعه ای کمونیستی چشم به جهان می گشاید به همین اندازه و خیلی بیشتر نوع زندگی ما و رنجی که می بریم در نظرش عجیب می نماید.

اینکه چگونه در دوره ای انسانها نیروی کار خویش را می فروختند تا مایحتاج زندگی خویش را از بازار خرید کنند و اگر یک روز کار نمی کردند چیزی برای خوردن نداشتند، اینکه تحت قوانین وحشیانه حتی در زندگی شخصی خود و روابط خویش آزاد نبودند، در قوانین حکم اعدام داشتند و اقلیتی سرمایه دار تنها به خاطر مالکیت بر ابزار تولید تمام جامعه را استثمار و سرکوب می کردند برای انسانی که در جامعه کمونیستی زندگی می کند عجیب به نظر می آید.



### محکومینی به نام ...

سران این رژیم را به جرم جنایت علیه بشریت، به جرم اعدام و شکنجه و بی خانمانی و بی حقوقی مردم به پای میز محاکمه خواهیم کشاند

### دانشجویان عزیز جلوی استانداری تهران!

دست ما در دست شماست. باید آینده روشن را در فردای جامعه ایران بوجود بیاوریم دفاع و پشتیبانی شما از "کارتن خواپها"، آینده ای نوین را منعکس می کند هر سازمان و انسان شریفی که دلش از این همه شقاوت و بی رحمی که در حق این محرومین جامعه به درد می آید، باید از این اقدام شما پشتیبانی کند هر آزادیخواهی که به رهائی جامعه می اندیشد و این وضعیت وارونه را تحمل نمی کند باید با شما همکاری کند هر وجدان آگاه بشری که برای نفس انسان احترامی قائل است باید به شما پیوندد درود بر شما!

# درسهای یک اقدام انسانی!



## نمونه خوب کار علنی

اهمیت دیگر این کار در اوج علنی بودن آن است. همین موجب میشود دست آنها برای ارتباط با وسایل ارتباط جمعی باز باشد و کسی به راه انداختن توطئه محکوم شان نکند اینجاست که جوان دانشجو راه پیدا میکند به عنوان یک رهبر و شخصیت شناخته شده در مورد مسائل مهم نظر بدهد و نقشه طرح کند و جواب بگیرد

## اهمیت سبک کاری

اهمیت سبک کاری این جمع در این است که با ابتکارانی که به خرج میدهند، تمام جامعه را متوجه تحركات خود میکنند تحصن آرام و ظاهرا بی سر و صدا در جلوی مراکز مهم مسئول و حساس دولتی این توان را به آنها داده است. تشخیص اینکه اعتراضی را کجا راه انداخت و چگونه پیش برد و چه سنتی را اتخاذ کرد مهم است.

## ایجاد مسیر بی خطر برای اعتراض اجتماعی

اهمیت دیگر کار آنها آسان کردن حمایت از اقدام شان است. این کار به لحاظ جذب هرچه بیشتر حمایتهای علنی مردم مهم است. مردم بدون اینکه احساس کمترین خطری کنند میتوانند به عنوان حامی آنها حاضر به کمک شوند اینها ظاهرا نه شعاری علیه مقامات رژیم میدهند و نه ظاهرا زنده باد مرگ باد برای کسی راه انداخته اند، و باز ظاهرا برای هیچ ارگان حکومتی ایجاد مزاحمت نکرده اند نتیجهت علیرغم آگاهی ارگانهای حکومتی بر خطری که سیستم شان را از این طریق تهدید میکند، نمیتوانند به راحتی با استفاده از نیروی سرکوب سراغ شان بروند اینجاست که انسان متوجه میشود که میتوان بزرگترین کمین سیاسی را به پیش برد، و کل جامعه را تحت تاثیر قرار داد، بدون اینکه متحمل پیگرد و اذیت و آزار و شکنجه شد حمایت از محرومان، دفاع از نان و مسکن و حق حیات برای همه اعضای جامعه، چنان مشروعیتی در دل جامعه

## درود به "جنبش عدالتخواه دانشجویی"!

### محمد فتاحی

که خود را در مقابل جامعه مسئول میدانند، باید این اقدام انسانی دانشجویان را تقویت کند، و آترا در ردیف مهمترین کار سیاسی خود بگذارد

## از زاویه ایجاد تشکل دانشجویی

مباحثات متعددی در میان دانشجویان طرح میشود که ایجاد چه نوع نهاد و تشکلی به پیشبرد مبارزات دانشجویی کمک میکند در دنیای واقع مبارزات دانشجویی اساسا سیاسی است. حتی اعتراضاتی که بر سر مسائل صنفی بوده، مجرای بوده تا به سیاست منتیبهی شود در سالهای گذشته و در کل تاریخ مبارزات دانشجویی این نکته برای همه عیان شده که مبارزات دانشجویان تابعی از مبارزات و خواستههای مردم، و انعکاس اعتراض اجتماعی در کل جامعه است. نتیجتا تشکل دانشجویی در هر شکل آن یک تشکل سیاسی است. با این تعریف لازم نیست سراغ ایجاد تشکل ویژه ای مختص صنف دانشجو رفت. هر تشکلی و نهاد و انجمنی میتواند ظرف تشکل دانشجویان باشد دیگر مهم نیست این وسیله یک نشریه است یا یک انجمن و کانون و ... هر جایی که محلی برای جمع شدن است، میتواند تشکلی باشد برای پیشبرد مبارزه سیاسی. برای این کار باید سراغ ایجاد نهادهایی رفت که مشروعیت اجتماعی دارند و در تناسب قوای فعلی قابل ایجاد کردن اند نهادهای که این جمع دانشجویی ایجاد کرده اند، اسمش هست؛ "جنبش عدالت اجتماعی". کسی از درون مسئولین رژیم نمیتواند برود یقه اینها را بگیرد که چرا برای عدالت مبارزه میکنند نهادی که ایجاد کرده اند، حتی احتیاج به ثبت و طی کردن مراحل اداری ندارد خود این کار نشان میدهد که ایجاد چنین نهادهایی چقدر راحت است. رژیم نمیتواند سراغ کسی برود که مثلا "کانون دفاع از زندگی" ایجاد کرده است، انجمن دفاع از محیط سالم اعلام کرده است، کانون دفاع از حق حیات راه انداخته است و برای لغو اعدام مبارزه میکند، کانون دفاع از عدالت تشکیل داده اند و در مقابل هر نوع بی عدالتی اقدامی میکنند و... کار این جمع دانشجو راه نشان میدهد به هر کس که میخواهد با صرف انرژی معین محصول سیاسی خوب تولید کند

مدتها بود اشک شوق در چشمانم جمع نشده بود وقتی تیتتر خبر را دیدم، کنجکاوی دنبال خبرم بردا "حمایت جمعی از دانشجویان تحت عنوان جنبش عدالتخواه دانشجویی از بی خانمان های تهران، و کارتون خوابی شبانه در مقابل استانداری، ضرورت حل این معضل اجتماعی را در مقابل کل جامعه قرار است." بعد از آن ۱۶ آذر سیاسی و عالی، حالا جمع دیگری از این انسانهای دوست داشتنی رفته اند سراغ مسئله ای ظاهرا غیرسیاسی که قلب همه را تکان میدهد به نظر میرسد احترام عمیق مردم به نقش سیاسی دانشجو موجب شده توقعات خود این جوانان از خودشان در مقابل مسائل و معضلات جامعه بسیار بالاتر برود ظاهر قضیه میتواند برای خیلی ها کم اهمیت باشد میتواند اقدام عده ای برای تفنن و تنوع ارزیابی شود میتواند کار جمعی قلمداد شود که برای خود دنبال دردسر اند ارزیابیهای دیگران هرچه باشد، جایگاه این اقدام انسانی از زوایای مختلف قابل بررسی است

## از زاویه نقش سیاسی در مبارزات اجتماعی

بردن یک مسئله مربوط به محروم ترین قشر جامعه به مرکز توجهات اجتماعی در مدتی کوتاه، کمین موفق و بزرگی است، که فقط ابتکار و خلاقیت و انساندوستی عمیق میتواند موجباش را فراهم کند بلحاظ سیاسی، پایین بودن کرامت و شخصیت و حرمت انسانی در این جامعه را باید دید، آنگاه اقدام این دانشجویان برای بالا بردن حساسیت جامعه نسبت به زندگی اقشار به فقر کشانده شده میتواند جایگاه بالایی داشته باشد ایجاد حساسیت نسبت به زندگی و بران شده محرومترین اقشار اجتماعی در میان مردم، در واقع به معنی بالا بردن احترام به انسان در جامعه است. از آنجاییکه حرمت و کرامت انسان در مرکز سیاست سوسیالیستی جای دارد، خود این اقدام تقویت انسانگرایی در کل جامعه را موجب میشود و از این نظر کمکی به تقویت رادیکالیسم و سوسیالیسم است. نمیشود در جامعه ای که احترامی برای شهروندانش متصور نیست سوسیالیسم را و انسانگرایی سوسیالیستی را تقویت کرد و به جنبشی اجتماعی تبدیل کرد نتیجتا دانشجویی و انسان کمونیستی

# آنارکوپاسیفیسم "اقلیت" در برخورد به ۱۶ آذر!



حامد خاکی

hkhaki50@yahoo.com

۱۶ آذر جنبش دانشجویی شاهد شعارها و تحرکاتی بود که نشان از پتانسیل قوی و رادیکالیسم این جنبش دارد از ویژگیهای بارز شعارهای رادیکال و چپ آن بود از بسیاری جهات ۱۶ آذر امسال مورد ارزیابی قرار گرفت و در موردش نوشته شد و سخن گفته شد.

نشریه کار، ارگان سازمان فدائیان اقلیت، نیز در شماره اخیر خود، ۴۴۳ مطلبی تحت عنوان "روز دانشجو و وضعیت کنونی جنبش دانشجویی ایران" راجع به ۱۶ آذر امسال و شعارهای دانشجویان دارد، که ای کاش نمی داشت این آنارکوپاسیفیستها، آتاریشیست نمای عملا پاسیو، وقتی ابراز نظر نمی کنند،

وجودشان خوشحال کننده تر است. اقلیت می توانست این ابراز نظر را در مورد ۱۶ آذر نکند، در این صورت درک کج و معوجشان از مبارزه اجتماعی، جنبشهای اجتماعی، طبقات و مارکسیسم و تاریخ را اینگونه به نمایش نمی گذاشتند اقلیت در مورد ۱۶ آذر امسال می نویسد: "شعار دیگری که در مراسم بیرون سالن چمران در دست برخی از دانشجویان به چشم می خورد آزادی، برابری بود. این شعار را نیز می توان به نوعی روی دیگر سکه شعار رفراندوم دانست. زیرا آزادی، برابری نه امروزی بلکه شعاری است که بیش از دویست سال پیش در دست بورژوازی نوپا و در آن زمان مترقی قرار گرفت و با آن انقلاب کبیر فرانسه رخ داد." در چند سطر بعد ایشان می نویسند: "لذا امروز پس از بیش از دو سده شعار آزادی، برابری نمی تواند مبین تغییرات اساسی باشد که جامعه در شرف انقلاب ایران بدان نیازمند است. تغییر و تحولات بنیادین در صورتی می توانند در ایران رخ دهند که نه فقط برابری مدنی که برابری اقتصادی و اجتماعی مد

نظر قرار گرفته شوند. پر واضح است که بورژوازی عقب مانده ایران نه می خواهد و نه می تواند به چنین شعاری تن دهد و به همین دلیل شعار آزادی، برابری روی دیگر شعار رفراندوم است." (تاکیدات از من)

## مبارزه طبقاتی و تصویر بدون کارگر اقلیت

ایران و جنبش سرنگونی طلب به این فکر کرده اند که بورژوازی می تواند یا نمی تواند این "تقاضای عاجزانه" ایشان را برآورد کند بحث بر سر مطالبه برابری و آزادی است و نه تقاضا از بورژوازی بحث بر سر توان و خواست تن دادن بورژوازی نیست. بحث بر سر این است که مردم آزادی و برابری را می خواهند و خواستشان را متحقق خواهند کرد. بورژوازی عقب مانده باشد یا پیشرفته، بخواد یا نخواهد، بتواند یا نتواند کسی جز امثال اقلیت حساسی برای توان بورژوازی اینگونه باز نکرده است. این دنیای وارونه دوستان ما در اقلیت است که تصویبش اینگونه اند که بدون خواست بورژوازی هیچ تغییری صورت نمی گیرد دنیای واقعی اما چیز کاملا متفاوتی به ما می گوید این تصویر ایشان کاریکاتوری از مبارزه و نقش طبقات است که مردم را آخر سر به خانه می فرستند داد می زند که های شما کم خواسته اید. شعارهایتان کهنه است، تاریخ مصرفش تمام شده و اینها تحولی ایجاد نمی کند و آخر سر خجولانه می گوید که برگردیم به خانه تا بورژوازی

روپرو شدن با هر معضلی که جامعه دارد، میشود سراغ تشکل علنی رفت و راهی پیدا کرد. لذا کسی که به عنوان فعال چپ و کمونیست خود را در انجمنی مخفی میکند، بدست خود ارتباط علنی و رسمی و قانونی با دنیای پیرامون خود را مینماید نه برای آزادی، نه برای برابری و عدالت و رفاه، نه برای حق حیات و زندگی احتیاج به مخفیکاری در سازمان و تشکل نیست باید رفت علنا و با اسم و رسم و با اطلاع عموم ایجادشان کرد آنچه که مخفیکاری میخواد ایجاد سازمان و شبکه به هم پیوسته فعالین است که باید مداوما در دل این کانون و انجمنها مد نظر فعال حزبی باشد کل جامعه منتهی میشوند، ولی برای ایجاد تغییرات پایه ای باید در پایه های این نظام انقلاب کرد، یعنی باید انقلاب کمونیستی کرد برای سازماندهی انقلاب هم باید حزب توده ای قدرتمند ساخت. و برای این کار باید در دل همه این کارهای علنی، آن کار ذیقیمت و لذتبخش کمونیست کردن دیگران و جذبشان به شبکه کمونیستی و حزبی را به دقت و با نقشه به پیش برد باید

سوسیالیست و کمونیستی میتواند به آسانی رفقای همراهش را متوجه راه حل انسانی سوسیالیستی در برخورد به مسائل پایه ای جامعه کند، و آنها را جذب سوسیالیسم و آلترناتیو کمونیست کند در این شبهای سرد که کسی بیرون خوایش نمیرد، چه بحثهای داغی را میتوان در جمع این فعالین پیش برد که چگونه سوسیالیسم و انسانگرایی مارکس جواب است

## این نوع کمپینها، فوراً به فعالینش شخصیتی اجتماعی، شناخته شده و محبوب جامعه میدهد.

برای کمپینهایی که مشکل سرکوب و مخفی شدن همیشه معطل شان بوده است، تبدیل شدن به شخصیتی اجتماعی آنها را به لحاظ امنیتی هم ضمانت میکند کسی که سرش را پایین میگیرد و مخفیانه درگیر فعالیتهای انسانی است. همیشه به عنوان یک توطئه گر میتواند تحت تعقیب قرار گیرد

نتیجتا میخوام بگویم برای

دارد که خود رژیم نمیتواند کسی را به اتهام دفاع از این حقوق مورد ضرب و شتم قرار دهد از آنجا که خود رژیم محصول یک ضد انقلاب در دل یک انقلاب است، ارزشهایی به او تحمیل شده است که برای حفظ ظاهر هم باشد نمیتواند کاری کند خود رژیم از زبان مسئولینش مدعی ایجاد عدالت و آزادی و رفاه و خدمات برای محرومان و مستضعفین و انسانهای ستمدیده است. مدعی مبارزه با استبداد است و... لذا ایجاد نهادهایی از طرف مردم که به امر عدالت و آزادی و دفاع از انسان محروم و ستمدیده مشغول اند، نمیتواند به همین راحتی مورد تعرض قرار گیرد تناسب قوای ایجاد شده در سالهای اخیر بیش از پیش زمینه ایجاد این نهادها را مهیا کرده است اقدام این جمع دانشجویی کل این معادلات را مد نظر داشته است

حسن دیگر این شیوه کمپین بر سر حقوق ابتدایی انسان این است که به راحتی میشود آرا به راه حلهای ریشه ای در جامعه گره زد در جمع این دانشجویان، هر عنصر

به ظرفیت ایجاد این تغییرات می رسد وقتی شما کارگر و کمونیسم و چپ و برابری طلبی را به عنوان جنبشهای حی و حاضر در صحنه نمی بینید و صحنه را به وجود گرایشهای مختلف بورژوازیی تبدیل می کنید، واضح است که این شعارها به شما چیزی نمی گویند شعار "آزادی، برابری" هیچ پسوندی حاکی از مدنی یا اجتماعی یا اقتصادی نداشت اما واضح است که چه معنی برای مردم دارد.

## شعار آزادی، برابری شعار کیست؟ چه معنی دارد؟

امروز پس از بیش از دو سده شعار آزادی، برابری نمی تواند مبین تغییرات اساسی باشد! چه استدلال مشعشی واقعا که تحلیل از تاریخ، جنبشهای اجتماعی، و درک مارکسیسم به این می گویند! چون بیش از دو دهه پیش مردمی آزادی و برابری خواسته اند امروز دیگر کهنه است، مشروعیت ندارد و صاحب سرقفلی آزادی و برابری هم بورژوازی است، خصوصا بورژوازی فرانسه یک سری از مفاهیم و مقولات در طول تاریخ بشر وجود داشته اند اما هرگز کهنه نشده اند، تلقی های مختلفی از این مقولات شده است اما ←

→ همین امروز! از طریق متشکل شدن در آن برای پیروزی مبارزه کنند. برای فردایی بهتر، برای دنیایی رها از رنجهای امروز و برای سرنگونی جمهوری اسلامی سازمان جوانان حکمتیست روبروی تمام جوانان مبارز قرار دارد. کاری که باید کرد این است که فرصت راز دست نداد و همین امروز به سازمان جوانان حکمتیست پیوست. فردا از آن ماست!

خواهد داد، ثانیاً خود آنها را به چهره های علنی و شناخته شده تبدیل میکند که تعرض رژیم و ارگانهایش با اعتراض وسیع در سطح بین المللی تبدیل میشود. از این زاویه هم باشد، پیشروی رهبران دانشجویی برای تبدیل شدن به چهره های مشهور، و استفاده از تجارب ۱۶ آذر به عنوان پله ای برای پیشروی دخالت این عزیزان در عرصه های علنی را ضروری تر میکند این در قدم اول یعنی تشدید فعالیت علنی در نهادها و تشکلهای علنی در خود دانشگاه و محل زندگی اجتماعی در اینمورد بعداً در پرتو تجارب ۱۶ آذر میشود ←

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## آناکوپاسیفیس

→ "اقلیت" ...

به عنوان محورهای آرمان بشری در هر دوره در صدر خواسته های انسانها بوده اند آزادی و برابری نیز از این دست مقولات هستند نه بیش از دو سده که به قدمت همه تاریخ بشری، انسان خواستار آزادی بوده و هیچ گاه هم کهنه نمی شود برده تلقی خود را از آزادی داشت، رعیت تلقی خود را داشت و کارگر تلقی خود را دارد عمر برابری طلبی بیش از عمر بورژوازی است اما برابری طلبی کهنه نشده و نمی شود شعار آزادی، برابری شعار انقلاب کبیر فرانسه بود و بورژوازی با تلقی خود از آزادی و برابری این شعار را سر داد رفاه هم با تلقی های مختلف در تاریخ بشری به کار رفته است.

این جنبشها را به برابری در برابر قانون، برابری در حق رای و نظیر اینها خلاصه کند، یا آزادی مورد نظر این جنبشها را به آزادی شرکت در انتخابات پارلمانی خلاصه کند باید گفت یا چیزی از مبارزه و سیاست نمی فهمد یا رنگی به کفش دارد شاید آرزو دارد این معنی را بدهد اما نه دوره از هیچ جهت به دوره انقلاب فرانسه شبیه است و نه آن طبقه انقلابی بورژوازی است و به یک معنی بورژوازی رسالت آن موقع را ندارد و نه اصلا مشکلات و معضلات مردم ایران در این قرن با آن مشکلاتی که مردم فرانسه در آن موقع دست به گریبان بودند شباهتی دارد.

مردم آزادی بی قید و شرط سیاسی می خواهند، آزادی بیان و اجتماع و تشکل می خواهند، لغو بروکراسی مافوق مردم را می خواهند، آزادی داشتن روابط جنسی می خواهند، آزادی مذهب و بی مذهبی می خواهند، جدایی دین از دولت می خواهند، آزادی انتخاب شغل می خواهند، لغو کار مزدی می خواهند، برابری کامل زن و مرد را می خواهند، برابری اقتصادی و اجتماعی می خواهند، رفع ستم ملی می خواهند، لغو مجازات اعدام می خواهند، دسترسی عمومی به رسانه های جمعی می خواهند و ... که اقلیت از دیدن آنها سرباز میزند و با فرمول طلایی این شعارها کهنه است بیان فرموله شده همه این خواستها را با رفتارندوم مقایسه می کند.

انقلاب آینده ایران آبستن همه تحولات عظیم و تاریخی خواهد بود که اروپای

بعد از رنسانس تا امروز طی کرده و برای تثبیت یک جای همه آن دست آوردهای عظیم جوامع غربی، مستلزم فراتر رفتن از آنها است، اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حیات مردم در ایران، خواستههایشان و وضعیت طبقات در آن جامعه حکم می کند که انقلاب آینده ایران تثبیت و اجرای "یک دنیای بهتر" باشد بنابراین با هیچ منطقی جور در نمی آید که شعار آزادی و برابری معنی دویست سال پیش و یا حتی ۵۰ سال پیش را هم داشته باشد بورژوازی و راست متاسفانه از دوستان ما در اقلیت عاقل ترند و به خوبی می فهمند چه پتانسیل عظیم چپ و کمونیستی در جنبشی که شعارش آزادی و برابری است نهفته است و به همین جهت هیچوقت این شعار را سر نمی دهند.

اما به نظرم مقایسه آزادی، برابری با رفتارندوم و در کنار هم گذاشتن آنها و الحاق دلبخواهی پسوند مدنی به برابری مستلزم درک وارونه و کج و معوجی است که خاصه این دسته از چپ نماها است.

## لیلا، قربانی سیستم توحش اسلامی!



## یک سوال از کلارا

جوانان حکمتیست همانطور که مطلعید جمهوری اسلامی می خواهد لیلا ی ۱۸ ساله را به جرم "فحشاء" و کند ذهنی اعدام کند نظر شما در این مورد چیست؟

کلارا چگینی راستش نظر دادن در مورد تراژدی که در انتظار لیلا است، چه میتواند باشد غیر از اینکه بیش از دو دهه است که هزاران نفر به حکم احکام اسلامی و به دست جلادان حکومتی اعدام شده اند، سرشان از بدن جدا شده است، سنگسار شده اند، شکنجه شده اند اسلام در کشت و کشتار و سرکوب و جنایت هیچ حد و مرزی نمی شناسد کودک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد قربانی بالقوه و بالفعل شقاوت کور اسلاميون اند در توصیف جنایت و بیرحمی، بی حقوقی، عقب ماندگی و پوسیدگی اسلام، زبان عاجز است در ایران از همان آغاز جمهوری اسلامی تاکنون اساسا مزدوران و وابستگان ایدئولوژیک رژیم، پاسداران و معدود افراد خشک مغز سنتی مجری عمل اعدام و سنگسار زنان در هر زمینه ای بوده اند داستان لیلا اما بسیار غم انگیز است او قربانی سیستم توحش اسلامی است چشیدن مزه تجاوز و حاملگی از هشت سالگی تا ۱۸ سالگی و "انعام" اعدام به حکم کند ذهنی و منتسب به باند ۱۰ ساله فحشاء مسخره است، انگار کسی نیست که

بگوید رژیم اسلامی و گانگسترهای روحانی که ستون فقرات این رژیم اند خودشان صاحب یک نوع فحشاء سازمان یافته و شرعی هستند که همان صیغه ای است که بارها لیلا توسط آن به تجاوز کشیده شد انگار صدایی نیست که فریاد بزند، این خود جمهوری اسلامی است که عامل مهم تحمیل فقر و فلاکت وسیع و شدیدی به مردم محروم بوده و فحشاء را گسترش داده محرومیت از حقوق ابتدائی همچون پوشاک و نوشاک و مسکن و عدم برخورداری از یک زندگی اجتماعی و اقتصادی متعارف و برابر با مردان، برای تامین معاش و نمردن در لای چرخ دنده های نظام سرمایه، لیلا ی ۱۸ ساله توسط مادرش، تن لطیف و نازکش در بازار تجاوز به فروش میرسد از ۸ سالگی با این روحیه بزرگ شدن به جای ورزش و تفریح و سرگرمی و تحصیل، ذکاوت چندانی نمی خواهد که روحیه لیلا پرورش طبیعی نیافته باشد اما لیلا احتیاج به پرستاری دارد احتیاج به روانکاو و معالجه دارد سزای هیچ کس اعدام نیست اسلام و چرخ سرمایه مجرمین اصلی هستند بیاید نگذاریم لیلا اعدام شود و این آشغالها را از صحنه سیاست و زندگی بیرون بیاندازیم.

## آرایش رهبری سازمان جوانان

## کمونیست - حکمتیست

قرار مصوب هیئت اجرایی سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست  
۱۵ دسامبر ۲۰۰۴

۱- عالیترین ارگان رهبری سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست، کمیته مرکزی است که در کنگره سازمان انتخاب میشود.

وظایف کمیته مرکزی به قرار زیر است:

الف- سیاستها و جهتگیریهای سازمان در فاصله دو کنگره را تصویب میکند.

ب- دبیر سازمان و خزانه دار مرکزی را انتخاب میکند.

پ- مرجع نهایی داوری و حکمیت در سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست است.

ث- بر کار دبیر سازمان، نظارت و آن را مورد حسا بررسی قرار میدهد و حدود اختیارات و وظایف او را تعریف میکند.

۲. وظایف و حدود اختیارات دبیر سازمان به قرار زیر است:

الف - رهبری و هدایت سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست در فاصله دو

پلنوم. ب- دبیر سازمان برای هدایت فعالیتهای سازمان، هیئت اجرایی

پیشنهادی خود را به پلنوم معرفی و از پلنوم رای اعتماد میگیرد. پ- گزارش

فعالیتهای سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پلنوم کمیته مرکزی. پلنوم

کمیته مرکزی میتواند مصوبات دبیر و هیئت اجرایی را ملغی اعلام کند.

## گروپ جوانان حکمتیست در یاهو:

<http://groups.yahoo.com/javananekomonist>

گروپ جوانان حکمتیست محلی برای پیشبرد اهداف و سیاست های انسانی، مدرن و امروزی است. شما می توانید با پیوستن به این گروپ برای شرکت در بحث و مجادله فعال شرکت کنید. در اینجا می توانید نظرات و تحلیلتان را بازگو کنید.

## تلویزیون پرتو ۲۰ آذر

(۲۰ دسامبر) شروع

به کار می کند!

تلویزیون پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تلویزیون پرتو، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادخواه و برابری طلب است.

برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دوستانان آزادی و برابری توصیه کنید.

تلویزیون پرتو تریبونی از آن همه کسانی است که در خفتان اسلامی به دنبال رسانه ای باز و حقیقت جو می گردند.

این برنامه ها هر دوشنبه

۱۱ تا ۱۲ شب به وقت تهران

(۹ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی و

۱۲ تا ۱ ظهر به وقت امریکای شمالی)

از کانال یک پخش می شود.

این برنامه ها سه شنبه ها ساعت ۹:۳۰

تا ۱۰:۳۰ صبح به وقت تهران

(۷ تا ۸ صبح به وقت اروپای مرکزی)

مجددا پخش می شود.

مشخصات کانال:

Telstar 12

Freq: 11494.5 MHz

Polarity: Vertical

Sym Rate: 17.4687ms

inf Rate: 24.148Mbps

Video PID 1760

Ahdio PID 1720

FEC: 3/4

Telstar 5

Freq: 12.090 MHz

Polarity: Horizontal

Sym Rate: 20 000

FEC: 3/4

از این سایت ها دیدن کنید:

[www.sjk-hekmatist.com](http://www.sjk-hekmatist.com)

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

[www.iskraa.com](http://www.iskraa.com)

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

[www.rahai-zan.com](http://www.rahai-zan.com)

[www.iran-tribun.com](http://www.iran-tribun.com)

## تماس با سازمان جوانان

## کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی

[bahramsjk@yahoo.com](mailto:bahramsjk@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۹۷۲۴۹۴۰۲۰۱

فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۲۶۱۲

سردبیر: فواد عبداللهی

[foadsjk@yahoo.com](mailto:foadsjk@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۹۷۸۹۰۸۰۹۴۲

مشاور سردبیر: محمد فتاحی

[m.fatahi@ukonline.co.uk](mailto:m.fatahi@ukonline.co.uk)

مسئول خارج کشور: جمال

کمانگر

[jkamangar@yahoo.com](mailto:jkamangar@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۹۷۸۱۴۷۵۶۱۶۹

مسئول مالی: نسیم رهنما

[nasimrahnamadk@yahoo.com](mailto:nasimrahnamadk@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۹۷۸۲۴۲۴۵